

عنوان مقاله: مطالعه تطبیقی علل طلاق در بین فرزندان شاهد و غیرشاهد استان کرمانشاه

خدیجه مرادی^۱

کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی

چکیده

طلاق یکی از مسایل اجتماعی است که به علت ازدیاد این پدیده در استان کرمانشاه؛ محقق با رویکرد تلفیقی جامعه‌شناسی و روانشناسی به بررسی مقایسه‌ای علل طلاق در بین فرزندان شاهد و غیرشاهد استان کرمانشاه پرداخته است. با استفاده از روش سرشماری ۷۵ نفر (۳۳ نفر فرزند شاهد در حال طلاق و ۴۲ نفر فرزند غیرشاهد در حال طلاق) و با روش علمی - مقایسه‌ای مورد بررسی قرار گرفتند. برای جمع‌آوری اطلاعات از سه پرسشنامه علل طلاق، مهارت‌های زندگی و پرسشنامه سلامت روانی Scl-25 استفاده شده است. پایایی پرسشنامه‌ها عبارتند از: ۰.۸۸٪ علل طلاق، ۰.۸۶٪ مهارت‌های زندگی و ۰.۹۷٪ سلامت روانی Scl-25، جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از میانگین، جداول، نمودار و آزمونهای t و X^2 استفاده شده است.

نتایج پژوهش بیانگر آنست که به اعتقاد افراد نمونه علل فرهنگی - اجتماعی، علل اقتصادی و سلامت روانی تأثیر خیلی زیادی در طلاق دارد. علل زیستی - روانی به مقدار زیادی در طلاق مؤثر است. علل اعتقادی - دینی به مقدار کم در طلاق مؤثر است. و مهارت‌های زندگی هیچ تأثیری در طلاق ندارد. همچنین میزان شیوع اختلال روانی در فرزندان شاهد ۳۰/۳ درصد و در غیر شاهد ۴۵/۲۳ درصد بود. شایعترین اختلال در افراد شاهد و غیرشاهد اختلال افسردگی می‌باشد. و میزان نیاز به آموزش مهارت‌های زندگی در شاهد ۴۸/۴۸ درصد و در غیرشاهد ۵۷/۱۴ درصد می‌باشد.

نتایج آزمون t بیانگر آنست که بین علل طلاق فرزندان شاهد و غیرشاهد تفاوت معناداری وجود دارد، علل طلاق از دیدگاه فرزندان شاهد به ترتیب عبارتست از: علل اعتقادی - دینی، زیستی - روانی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و در نهایت آشنایی با مهارت‌های زندگی می‌باشد در صورتیکه علل طلاق از دیدگاه فرزندان غیرشاهد به ترتیب عبارتست از: علل اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، اعتقادی - دینی، زیستی - روانی و در نهایت سلامت روانی می‌باشد. در این مطالعه مشخص گردید که بین سلامت روانی و مهارت‌های زندگی فرزندان شاهد و غیرشاهد تفاوت معناداری وجود دارد. بین جنسیت، مدرک تحصیلی با سلامت روانی و مهارت‌های زندگی مورد نیاز رابطه معناداری وجود دارد. بین سن با سلامت روانی و مهارت‌های زندگی رابطه معناداری وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: طلاق، علل اقتصادی، علل اجتماعی - فرهنگی، علل زیستی - روانی، علل

اعتقادی - دینی، سلامت روانی، مهارت‌های زندگی.

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است که برای تأمین نیازهای خود تشکیل گروه می‌دهد. یکی از طبیعی‌ترین گروه‌هایی که می‌تواند نیازهای وی را مرتفع کند، خانواده است. خانواده به عنوان واحد عاطفی - اجتماعی کانون رشد و تکامل، التیام و شفادهندگی، تغییر و تحول، آسیب‌ها (بیماری) و عوارضی است که هم‌بستر شکوفائی و هم‌فروپاشی روابط میان اعضایش می‌باشد. خانواده نهاد و شالوده‌ اساسی در ساختار اجتماعی جوامع است، که سلامت یا عدم سلامت آن قوام یا اضمحلال جامعه را در پی دارد (شعاری نژاد، ۱۳۸۳).

افراد نمی‌توانند مفید باشند، مگر اینکه جامعه‌پذیر شوند و خانواده نخستین زمینه جامعه‌پذیری است که کار خود را از لحظه تولد فرد آغاز می‌کند. یک جامعه بدون داشتن نظامی برای جایگزینی اعضای خویش از نسلی به نسل دیگر قادر به ادامه حیات نیست. خانواده مکانی را فراهم می‌سازد که از طریق آن این جایگزینی تحقق یابد. فرد نه تنها از نظر جسمی مدیون خانواده است بلکه مهم‌تر از آن از نظر روانی و شخصیتی نیز تحت تأثیر خانواده قرار دارد. انسان نیاز به توجه، صمیمیت، عشق و آرامش روانی دارد و خانواده مهم‌ترین عامل اجتماعی است که این نیازها را برای فرد برآورده می‌سازد. خانواده جایگاهی است که فرد می‌تواند شخصیت خویش را کامل کند و خود را برای برعهده گرفتن نقش‌های مهم‌تر آماده نماید. از جمله نقش‌هایی که در آینده متوجه فرد است نقش همسری (زن یا شوهری بودن) است که پس از عمل اجتماعی ازدواج به عهده افراد گذاشته می‌شود (شعاری نژاد، ۱۳۸۳).

خانواده ممکن تحت تأثیر آسیب‌های مختلف قرار گیرد، یکی از مهم‌ترین این آسیب‌ها پدیده طلاق و عوارض ناشی از آن برای زوجین و سایر اعضای خانواده می‌باشد. سابقه طلاق به بیست قرن قبل می‌رسد. مذاهب عمده همانطور که در زمینه ازدواج و روابط زن و مرد، رهنمودها و معیارهایی مقرر کرده‌اند به امکان قطع این رابطه و نحوه آن نیز پرداخته‌اند اما فقط در چند دهه اخیر است که طلاق به عنوان یک مسأله جدی اجتماعی مطرح شده است. روند تاریخی پدیده طلاق نشانگر آن است که هر چه از نظام زمینداری به جامعه صنعتی سرمایه‌داری نزدیک می‌شویم امکان و فراوانی طلاق افزایش می‌یابد. محور تدریجی و بعضاً ناگهانی نهادهای خاص جامعه فنودال، تضعیف خانواده پدرسالار که نگاهدار ارکان خانواده سنتی بوده است و در کنار آن رشد تضادها و تقابلهای روز افزون اجتماعی باعث فرو ریختن سنت‌های کهن و جایگزینی ارزش‌های اخلاقی در اجتماعی تازه می‌گردد و مفاهیم سنتی و نوع زندگی خصوصی و خانوادگی را متحول کرده و به مبارزه می‌خواند (صدیقی، ۱۳۸۰). با این حال، امروزه طلاق یک مسأله جهانی است. در آمریکا در سال ۱۹۵۶ از هر ۱۰۰۰ ازدواج ۲۵۹ طلاق به چشم می‌خورد. ریچارد اوردی^۱ نویسنده معروف کتاب زمینه اجتماعی ازدواج چنین می‌نویسد: با کاربرد شیوه‌های گوناگون در شناخت روابط خانوادگی ملاحظه می‌شود که در حال حاضر حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد ازدواجهایی که برای اولین بار منعقد می‌شود به طلاق، ترک یا انحلال خانواده منتهی می‌شوند. در کشورهای بریتانیا، انگلیس، آلمان، سوئیس در سطح بسیار بالایی است، براساس این آمار

۱. Rechar d Averdi

بیشترین موارد طلاق در فاصله سالهای پنجم تا نهم زندگی زناشویی رخ داده است (جورج ترجمه رحمتی، ۱۳۸۲).

در مجموع آمارها حاکی از رشد نرخ طلاق طی دهه‌های قبل در کشورهای غربی است، از مهم‌ترین عوامل بوجود آورنده طلاق در جوامع غربی می‌توان به صنعتی شدن، کاهش تقبیح طلاق، مصرف الکل و گرایش به زندگی هم - بالینی (زندگی مشترک همراه با رابطه جنسی بدون عقد قانونی و ازدواج) همچنین، رشد نرخ طلاق در ایران طی سالهای اخیر سیر صعودی داشته است، چنانکه براساس آمارهای منتشر شده از سوی سازمانهای مربوطه در ایران در سال ۱۳۸۵، ۹۸۷۵۶ واقع طلاق اتفاق افتاده است. این در حالی است که در سالهای ۱۳۸۴ با ۸۴۲۴۳، ۱۳۸۳ با ۶۳۱۲۵ و ۱۳۸۲ با ۷۲۳۵۲ واقعه طلاق در کل کشور مواجه بوده‌ایم. استانهای تهران با ۱۷/۹ درصد، کرمانشاه با ۱۳/۳ درصد و قم با ۱۳ درصد به ترتیب مقام اول تا سوم را میزان طلاق در سال ۱۳۸۱ داشته‌اند. همچنین پایین‌ترین نرخ رشد طلاق در این سال به استانهای یزد و سیستان و بلوچستان با ۴/۶ درصد اختصاص یافته است (عدل جو، ۱۳۸۴).

با توجه به افزایش نرخ طلاق در کشور ما و همچنین ضربه مهلکی که پدیده طلاق به خانواده و جامعه وارد می‌سازد، لذا مقاله حاضر با عنوان تبیین مقایسه‌ای علل طلاق در بین فرزندان شاهد و غیرشاهد استان کرمانشاه در سال ۸۷ - ۱۳۸۶ هدف اصلی این تحقیق را تشکیل می‌دهد.

پیشینه نظری پژوهش

طلاق مبعوض‌ترین حلال خداوند است و با اینکه در اسلام تحریم نشده است ولی با این حال بسیار مذموم و ناپسند شمرده است و احادیث زیادی وارد شده که به واسطه امر طلاق، عرض خدا به لرزه در می‌آید. اما با این وجود گاه زندگی خانواده آنچنان دچار تلاطم می‌شود که تحمل زندگی بر طرفین یا فرزندان طاقت‌فرسا می‌گردد و صدماتی که به واسطه ادامه زندگی بر پیکره خانواده وارد می‌شود بسیار سهمگین‌تر از لطمات طلاق و جدایی می‌باشد. در اینجا است که اسلام طلاق را جایز می‌داند. طلاق در لغت جدا شدن، رها شدن از قید نکاح و رهایی از زناشویی است. و به بیان برخی رها شدن از قید نکاح است و در عرف عام معنای جدایی از آن در ذهن متبادر می‌گردد. بعضی طلاق را در معنای بی‌زاری آن به کار برده‌اند. دهخدا (۱۳۷۳) دیدگاههای متفاوتی در زمینه طلاق وجود دارد. براساس دیدگاه روان‌شناختی پدیده طلاق را می‌توان این‌چنین تبیین نمود. باید توجه داشت، طلاق بالاتر از همه یک پدیده روان‌شناختی است؛ در شرایط یکسان اجتماعی تمامی انسانها به طلاق تمسک نمی‌جویند و لذا باید روحیه‌ای طلاق زده وجود داشته باشد. لذا برای جلوگیری از این پدیده باید انتقادپذیری، روحیه ترکیبی، تعلیه بلوغ، دوری از توهم و رویا، تسری‌پذیری و روحیه اغماض و تساهل را در افراد پرورش داد (تقوی، ۱۳۸۳)، در رویکرد جامعه‌شناختی طلاق را عبارت از تغییر از روابط نزدیک و صمیمی در درازمدت به وضعیت تنها زیستن می‌داند. پول بوهانون^۱ نشان داده است

۱. Buchanan

که طلاق بدان سبب مسأله غامضی است که همزمان شش بعد؛ طلاق عاطفی، طلاق اقتصادی، طلاق قانونی، طلاق توافقی والدین، طلاق اجتماعی و طلاق روانی در نظر می‌گیرد (بوتول ترجمه رضی، ۱۳۷۹).

علل مختلفی در بروز طلاق مؤثر می‌باشد منجمله؛ دخالت تدریجی مشکلات مالی، فقر مالی، عدم وجود مسکن و نامناسب بودن محیط زندگی، سوءظن، عدم تمکین، عدم پایبندی به مذهب، اعتیاد، زیاده طلبی، انتخاب نادرست اولیه، کمی سن ازدواج، ناآگاهی و بی‌سوادی، تفاوت فرهنگی، بیکاری، اختلاف در تعیین محل زندگی، ناراحتی روحی و روانی، دوستان ناباب، ناتوانی جنسی، عدم سازگاری فکری، شهرنشینی و رشد صنعت و ... می‌باشد (توسلی، ۱۳۸۲).

محققان طبق مطالعات مختلف، تعدادی از علل طلاق را مشخص کرده‌اند که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از: ۲۰ تا ۵۰ درصد از طلاق‌ها در روسیه بطور مستقیم و غیرمستقیم به مصرف الکل مرتبط می‌شوند (استاک و بنکووسکی، ۲۰۰۷). مهم‌ترین علت طلاق داشتن رابطه نامشروع جنسی بوده است (سوت و لیود، ۲۰۰۶). بلوس فلد و هوم^۱ (۲۰۰۶) شبکه تعاملات فرد و نوع الگوی زندگی در آن بر طلاق تأثیرگذار می‌داند. بولاندا و برون^۲ (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان «تفاوت‌های قومی، نژادی، کیفیت زندگی و طلاق» در پی شناخت تأثیر فرهنگ بر طلاق و کیفیت زناشویی بوده و بدین منظور به مطالعه سیاهپوستان، مکزیکی‌ها و سفیدپوستان در آمریکا با استفاده پرداختند. محققین نتیجه گرفتند که جلوه‌های سنت و فرهنگ مکزیکی‌ها ممکن است نقش مهمی را در حفظ خصوصیت ازدواج و استحکام این گروه بر خلاف موقعیت اقتصادی ناپایدار و متزلزلشان داشته باشد. طلاق در نتیجه تغییرات در عملکرد والدین و سازگاری روانی فرزندان است (کارالد هولد، ۲۰۰۴). میل به استقلال مالی و تجربه جدید به وسیله کار (دوگانس دلبیو. آلن، ۲۰۰۲)

براساس پژوهش‌های انجام شده در ایران علل مختلفی برای طلاق در نظر گرفته شده است. فخاری (۱۳۸۶) در پژوهش خود عمده‌ترین دلایل تقاضای طلاق را عدم تفاهم، عدم علاقه، اعتیاد زوج، بیکاری و ازدواج اجباری بدست آورد.

تحقیقی که توسط در زمینه عوامل جامعه شناختی مؤثر بر میزان گرایش زوجین به طلاق توسط بهرامی (۱۳۸۶) انجام شد متغیرهای برآورده نشدن انتظارات همسر، تصور مثبت از پیامدهای طلاق، دخالت دیگران، تفاوت سنی، تفاوت تحصیلی و تفاوت عقاید همسران با میزان گرایش به طلاق رابطه معنادار و مستقیمی دارند. در تحلیل رگرسیون چند متغیره در معادله پیش‌بینی میزان گرایش به طلاق متغیرهای یاد شده توانستند ۲۰ درصد از واریانس متغیر وابسته را پیش‌بینی کنند.

گودرزی (۱۳۸۵) به تعیین علل طلاق و بررسی اثرات حذف علل طلاق بر طول مدت ازدواج در شهر تهران پرداخته است. نتایج تحقیق بیانگر آنست که: ۱ - گستره طلاق بیشتر در گروه‌های سنتی ازدواج پائین است به طوری که ۴۵/۵ درصد طلاقها در سه سال اول زندگی رخ می‌دهد. ۲ - میانگین سن مردان در

۱. Field & Hom

۲. Bolanda & Brown

مطلقین مورد بررسی ۳۶ سال و زنان ۳۰/۶ سال می‌باشد. ۳ - ۵۲ درصد مطلقین فاقد فرزند بوده‌اند. ۴ - سطح تحصیلات با طول مدت ازدواج ارتباط دارد و نتایج نشان می‌دهد که در بین این مطلقین سطح تحصیلات زنان بیشتر از مردان است. ۵ - شغل مردان با طول مدت ازدواج ارتباط دارد در حالی که شاغل یا خانه‌دار بودن خانمها این چنین نیست. ۶ - ۹۰ درصد زوجین قرابتی با هم نداشته‌اند. ۷ - ۷۲/۲ درصد طلاقها از نوع خلعی بوده و ۲۲/۴ درصد بائن بوده است.

طباطبایی (۱۳۸۳) در پژوهشی تحت عنوان بررسی عوامل مؤثر بر طلاق به شناسایی عوامل تأثیرگذار بر این مسأله در شهر بیرجند پرداخت. یافته‌های پژوهش نشان از تأثیرگذاری عوامل بیکاری و عدم ثبات اقتصادی، اختلاف سنی زوجین، اعتیاد، پایبند نبودن به مسائل دینی و سنتی در رفتارهای شخصی، نداشتن فرزند و دخالت مستقیم وابستگان و دوستان در زندگی زوجین، اختلاف طبقاتی و سطوح تحصیلات بر وقوع طلاق دارد.

براین اساس، از آنجا که خانواده‌ها و بطور کلی جامعه تحت تأثیر پیامدهای مختلف طلاق قرار می‌گیرند، لذا توجه به علل طلاق به منظور کاهش پدیده طلاق در جامعه و نهایتاً عوارض منفی این عارضه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. لذا لزوم تحقیق و تعمق در این مبحث را هویدا می‌کند.

اهداف پژوهش

هدف کلی تحقیق شناسایی و مقایسه علل طلاق در بین فرزندان شاهد و غیرشاهد استان کرمانشاه در سال ۸۶ - ۱۳۸۵ می‌باشد.

اهداف جزئی

- ۱ - بررسی تفاوت بین دیدگاه فرزندان شاهد و غیرشاهد در زمینه تأثیر تفاوت‌های فرهنگی - اجتماعی، زیستی - روانی، مسائل اقتصادی، تفاوت‌های اعتقادی - دینی، آیت‌های سلامت روانی و آیت‌های مهارت‌های زندگی در طلاق.
- ۲ - بررسی سلامت روانی فرزندان شاهد و غیرشاهد در حال طلاق.
- ۳ - بررسی رابطه بین جنسیت، سن و تحصیلات با شیوع اختلالات روانی در فرزندان شاهد و غیرشاهد در حال طلاق.
- ۴ - بررسی میزان آشنایی با مهارت‌های زندگی فرزندان شاهد و غیرشاهد در حال طلاق.
- ۵ - بررسی رابطه بین جنسیت، سن، تحصیلات و میزان برخورداری از مهارت‌های زندگی در فرزندان شاهد و غیرشاهد در حال طلاق.

سئولات پژوهش

- ۱ - آیا بین علل طلاق (فرهنگی - اجتماعی، زیستی - روانی و ...) فرزندان شاهد و غیرشاهد در حال طلاق تفاوت معناداری وجود دارد؟
- ۲ - وضعیت سلامت روانی فرزندان شاهد و غیرشاهد در حال طلاق چگونه است؟
- ۳ - آیا بین جنسیت، سن، تحصیلات و شیوع اختلالات روانی در فرزندان شاهد و غیرشاهد در حال طلاق رابطه معناداری وجود دارد؟
- ۴ - فرزندان شاهد و غیرشاهد در حال طلاق به چه میزان از مهارت‌های زندگی برخوردارند؟
- ۵ - آیا بین جنسیت، سن، تحصیلات و میزان برخورداری از مهارت‌های زندگی در فرزندان شاهد و غیرشاهد در حال طلاق رابطه معناداری وجود دارد؟

تعاریف متغیرها و مفاهیم

طلاق: فرآیند جدا شدن قانونی زن و شوهر از زندگی مشترک که با دادخواست طلاق شروع می‌شود و با صدور حکم طلاق توسط مراجع ذیصلاح خاتمه می‌یابد (امینی، ۱۳۸۰). در این پژوهش به پدیده جدا شدن فرزندان شاهد و غیرشاهد از همسر خود در استان کرمانشاه طلاق می‌شود. اعتقادی - دینی.

علل طلاق: به عواملی که منجر به جدا شدن زوجین از یکدیگر می‌شوند، طلاق می‌شود. در این پژوهش عواملی همچون عوامل اقتصادی (سطح در آمد، بیکاری و نوع اشتغال)؛ اجتماعی - فرهنگی (مواد مخدر، تعداد فرزندان، مشکلات اخلاقی، عدم احساس مسئولیت) و زیستی (ناتوانی جنسی مرد، نازائی زن)، عوامل اقتصادی - دینی، سلامت روانی و مهارت‌های زندگی به عنوان این عوامل در نظر گرفته شده است، علل مربوطه از طریق نمراتی که افراد در حال طلاق از پرسشنامه مربوطه دریافت می‌کنند، سنجیده می‌شود.

مهارت‌های زندگی: منظور از مهارت‌های زندگی آن نوع تواناییها و مهارت‌های عملی است که موجب رفتارهای مثبت و سازگارانه گردیده و برای احساس موفقیت، توانمندی و شادکامی در زندگی روزمره معمولی و عادی مورد نیاز است. نتیجه یادگیری مهارت‌های زندگی، بروز رفتارهای سازگارانه و مثبت است و نتیجه رفتارهای مثبت و سازگارانه احساس موفقیت و شادکامی در زندگی، پیشگیری از مشکلات است (ادیب، ۱۳۸۲).

مهارت‌های زندگی عبارتند از: مجموعه‌ای از توانائی‌ها که زمینه سازگاری و رفتار مثبت را فراهم می‌آورند. این توانائیها فرد را قادر می‌سازند، مسئولیتهای نقش اجتماعی خود را بپذیرد و بدون لطمه زدن به خود و دیگران با خواسته‌ها و انتظارات و مشکلات روزانه، به ویژه در روابط بین فردی به شکل مؤثری روبرو شود (هاشمی، ۱۳۸۴).

در پژوهش حاضر، این متغیر بواسطه مؤلفه‌هایی همچون: توانایی تصمیم‌گیری، توانایی حل مساله، توانایی تفکر خلاق، توانایی تفکر انتقادی، توانایی برقراری ارتباط مؤثر، توانایی ایجاد و حفظ روابط بین فردی

(ابراز وجود)، توانایی خویشتن شناسی، توانایی همدلی کردن، توانایی مدیریت و اداره هیجان‌ها، توانایی مدیریت و اداره تنش و فشار روانی می‌باشد که بوسیله پرسشنامه سنجیده شده است.

حل مهارت‌های حوزه تعلیم و تربیت و ادبیات تخصصی، مهارت‌های مشاوره تحصیلی و زندگی اجتماعی و مهارت‌های فردی و اجتماعی از طریق پرسشنامه محقق ساخته سنجیده خواهد شد.

سلامت روانی: کاپلان و بارون (۱۹۹۰) می‌گویند: "سلامت روانی حالت خاصی از روان است که سبب بهبود، رشد شخصیت و کمال شخصیت انسانی می‌گردد و به فرد کمک می‌کند که با خود و دیگران سازگاری داشته باشد" (نیک ضمیر، ۱۳۸۳).

سلامت روانی، حالتی از بهزیستی و این احساس در فرد که می‌تواند با جامعه کنار بیاید و موقعیت‌های شخصی و ویژگی‌های اجتماعی برای او لذت‌بخش باشد (میلانی‌فر، ۱۳۷۸).

اختلال روانی: وجود هر گونه تظاهرات روان شناختی و رفتاری که با آشفتگی و ناتوانی در یک یا چند حوزه مهم عملکرد فرد همراه بوده و فقط واکنش مورد انتظار در مقابل رویدادی خاص نباشد (نیکخو و همکاران، ۱۳۷۹). منظور از اختلال روانی در این پژوهش، نمره‌ای است که آزمودنی‌ها در پرسشنامه SCL-25 به دست می‌آورند.

فرزندان شاهد: به افرادی اطلاق می‌شود، که در زمان پیروزی انقلاب اسلامی یا جنگ تحمیلی پدران آنان به درجه شهادت نایل آمده‌اند (اسماعیل‌زاده و بیگدلی، ۱۳۷۹). در این پژوهش مد نظر افرادی (اعم از زن و مرد شاهد) هستند که در سال ۸۶ - ۱۳۸۵ در استان کرمانشاه از همسر در حال طلاق گرفتن می‌باشند و اقدام به پر کردن پرسشنامه مزبور کرده‌اند.

فرزندان غیرشاهد: به افراد غیرشاهدی اطلاق می‌شود که در سال ۸۶ - ۱۳۸۵ در استان کرمانشاه از همسر خود در حال جدا شدن بوده و به پرسشنامه مزبور پاسخ داده‌اند.

روش تحقیق

تحقیق حاضر با توصیف شرایط موجود از نوع تحقیقات توصیفی می‌باشد و از آنجا که به بررسی مقایسه‌ای علل طلاق در فرزندان شاهد و غیرشاهد می‌پردازد، و محقق هیچ دستکاری در متغیر مستقل (طلاق) ندارد، لذا این تحقیق از نوع علمی - مقایسه‌ای می‌باشد.

ابزار گردآوری داده‌ها

الف) پرسشنامه علل طلاق

پژوهشگر با توجه به مطالعات نظری و تجربی انجام شده در زمینه طلاق علل احتمالی مؤثر بر طلاق شناسایی کرده و برای هر کدام از متغیرها تعدادی سؤال طراحی نمود که از طریق این سئوال‌ها میزان تأثیر هر کدام از علل بر طلاق از دیدگاه افراد نمونه مشخص گردیده و در نهایت عللی که تأثیر چشمگیری در طلاق

دارند شناسایی شده‌اند. و با حذف و اضافه کردن تعدادی سؤال به پرسشنامه، شکل نهایی پرسشنامه تدوین شد.

پرسشنامه بررسی علل طلاق، شامل دو قسمت می‌باشد. قسمت اول شامل ویژگی‌های جمعیت شناختی می‌باشد و قسمت دوم شامل سئوالهایی در زمینه علل مؤثر در طلاق می‌باشد. این سئوالها متغیرهایی همچون علل اجتماعی - فرهنگی، علل اقتصادی، علل زیستی - روانی و علل اعتقادی - دینی را می‌سنجد. تعداد سئوالهای این پرسشنامه ۲۵ سؤال با مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت می‌باشد.

برای بررسی روایی محتوایی پرسشنامه در اختیار ناظر محترم طرح، اساتید متخصص در زمینه مورد نظر قرار داده شد و با بررسی نظرات افراد مذکور در زمینه سئوالات پرسشنامه روایی محتوایی بدست آمد. برای محاسبه پایایی پژوهش از روش اجرای دوباره آزمون یا روش بازآزمایی استفاده شده است. بدین طریق که ابتدا پرسشنامه بر روی یک گروه آزمودنی اجرا شد و سپس در فاصله زمانی کوتاهی (دو هفته) دوباره آزمون بر روی همان گروه اجرا شد. نمرات بدست آمده از دو آزمون مورد بررسی قرار گرفتند و همبستگی بین خرده مقیاسهای فوق به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۵، ۰/۸۳، ۰/۸۶ و برای کل پرسشنامه ضریب همبستگی آن ۰/۸۸ برآورد شده است.

ب) پرسشنامه مهارت‌های زندگی

برای سنجش مهارت‌های زندگی از پرسشنامه اقتباس شده مهارت‌های زندگی (معصومی، ۱۳۸۵) استفاده شده است. این پرسشنامه دارای ۵۳ سوال بوده و مهارت‌های زندگی را سنجیده است. در این بخش برای هر یک از مؤلفه‌های مهارت‌های زندگی؛ خودآگاهی، همدلی، برقراری ارتباط مؤثر، برقراری روابط بین فردی، حل مسئله، تصمیم‌گیری، تفکر خلاق، تفکر انتقادی، مقابله با هیجان و مقابله با استرس تعدادی سوال طرح گردید. نمره‌گذاری پرسشنامه بر اساس کمترین مقیاس، نمره ۱ و بیشترین مقیاس نمره ۵ بوده، به عبارتی خیلی زیاد ۵، زیاد ۴، تا حدودی ۳، کم ۱ و خیلی کم ۱ منظور شده است (معصومی، ۱۳۸۵). برای تعیین پایایی پرسشنامه از روش آزمون - آزمون مجدد استفاده شد. ضرایب همبستگی خرده مقیاسهای مهارت‌های زندگی به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۸۸، ۰/۸۲، ۰/۸۳، ۰/۸۴، ۰/۶۸، ۰/۷۸، ۰/۸۲، ۰/۸۷، ۰/۸۰ و برای کل پرسشنامه ۰/۸۶ برآورد گردیده است (معصومی، ۱۳۸۵).

ج: پرسشنامه SCL-25

پرسشنامه SCL-90 از مقیاسهای رایج در آسیب‌شناسی روانی است. بنا به گزارشات مختلف این پرسشنامه تک عاملی است و آسیب‌شناسی روانی عمومی را می‌سنجد. فهرست ۹۰ نشانه‌ای SCL-90 یک ابزار خود گزارش دهی رایج برای سنجش آن دسته از ناراحتیهای جسمی و روانی ساخته شده است که پاسخ دهندگان اخیراً تجربه نموده‌اند. نتیجه اولیه ۹۰ نشانه‌ای یعنی SCL-90 با استفاده از ماده‌های اصلی فهرست

نشانه‌ها پکینز و اضافه کردن ماده‌های جدید ایجاد تغییراتی در شیوه درجه‌بندی و روش اجرا توسط درآگاتیس و کاوی (۱۹۷۳) ساخته شد و SCL-90 نام گرفت. بیشتر پژوهشگران این پرسشنامه را تک بعدی می‌دانند تا ابزاری چند بعدی و در واقع معتقدند ابزاری برای سنجش ناراحتی عمومی است. نجاریان در پژوهشی که هدف آن بدست دادن یک فرم کوتاه از این پرسشنامه بوده و به فرم ۲۵ سئوالی آن دست یافته است که نتایج تحقیق آنها نشان داد، همبستگی میان دو مقیاس SCL-90 و SCL-25، ۹۵ درصد بوده است. ضرایب همبستگی میان از ۰/۹۵ - ۰/۸۰ بوده است کمترین پارانوئید گزارش شده است (نجاریان ۱۳۸۰؛ به نقل از گلی گرمخانی، ۱۳۸۳).

پرسشنامه دارای ۹ مقیاس جسمانی کردن، اختلال وسواسی - جبری، حساسیت بین فردی، افسردگی، اضطراب، خصومت، فوبیک، افکار پارانوئید و سایکوتیک می‌باشد. همانند SCL-90 از شیوه نمره‌گذاری استاندارد آن استفاده می‌شود که روی یک طیف ۵ درجه‌ای از نمره صفر برای گزینه هیچ تا نمره چهار برای گزینه (شدت) انجام می‌گیرد.

همبستگی میان دو مقیاس R-SCL-90 ۰/۹۵ است، ضرایب همبستگی از ۰/۸۰ تا ۰/۹۵ است. کمترین همبستگی ۰/۸۰ با مقیاس اندیشه‌ورزی پارانوئید است. همبستگی با عامل خصومت ۰/۸ می‌باشد. همه ضرایب همبستگی در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار $P <$ هستند. اعتبار SCL-25 از طریق محاسبه درونی (آلفای کرونباخ) و باز آزمایی در نمونه مونت ۰/۹۷ و در نمونه مذکر ۰/۹۸ است و در بازآزمایی در کل نمونه ۰/۷۷ در نمونه مونت ۰/۷۷ و در نمونه مذکر نتایج حاصل از بررسی مشخصات روان‌سنجی نشان داد که SCL-25 با وجود کاهش ۶۵ ماده از ۹۰ ماده همبستگی بسیار بالایی (۰/۹۵) با آن دارد. کوتاه بودن مقیاس، همسانی درونی خوب و ضرایب اعتبار نسبتاً رضایت‌بخش و روایی خوب با برخی سازه‌های مرتبط SCL-25 را یک مقیاس مناسب برای پژوهش در جمعیت‌های غیربیمار می‌سازد.

جامعه آماری نمونه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری کلیه فرزندان شاهد مطلقه و فرزندان غیرشاهد در حال طلاق استان کرمانشاه در سال

۱۳۸۵ - ۸۶ می‌باشد.

با توجه به تعداد کم فرزندان شاهد مطلقه بنیاد شهید استان (۵۵ نفر)، از آنجا که تمامی این افراد (جامعه آماری) مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، بنابراین نمونه‌گیری در زمینه فرزندان شاهد وجود ندارد و خصایص مورد نظر جامعه آماری مستقیماً بررسی شده است. بطور کلی از روش سرشماری استفاده شده است. تعداد افراد نمونه با توجه به ریزش آزمودنی‌ها به علل مختلف از جمله عدم همکاری و پاسخگویی آنان به پرسشنامه، عدم دسترسی به آنان به علت خارج از استان بودن آنان و ... تعداد آنان ۳۳ نفر می‌باشد.

در زمینه افراد غیرشاهد با توجه به گستردگی آمار، در ابتدا از بین شهرستان‌های استان، پنج شهر به ترتیب کرمانشاه، صحنه، گیلانغرب، جوانرود و روانسر به صورت تصادفی انتخاب شدند و سپس از بین افراد

مراجعه‌کننده به دادگاههای خانواده این مناطق تعداد ۴۲ نفر مراجعه کننده به این دادگاهها بصورت سرشماری انتخاب شدند.

روش آماری تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق

جهت توصیف اطلاعات با استفاده از روشهای آماری، آمار توصیفی از جمله فراوانی مربوط به سئوالات پژوهش، نمودارهای توزیع فراوانی همچنین جهت بررسی تفاوتها (مقایسه گروه شاهد و غیرشاهد از حیث علل طلاق) از آزمون t و همچنین جهت بررسی رابطه‌ها (رابطه بین جنسیت، سن، تحصیلات و ... با سلامت روانی و مهارتهای زندگی) از آزمون X^2 استفاده گردیده است.

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های آماری توصیفی

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی افراد نمونه بر حسب نوع گروه

گروه	آماره	فراوانی	درصد
شاهد	۳۳	۳۳	۴۴
غیرشاهد	۴۲	۴۲	۵۶
کل	۷۵	۷۵	۱۰۰

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی گروه نمونه بر حسب جنسیت

جنسیت	گروه شاهد		گروه غیرشاهد		کل	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
زن	۲۳	۶۹/۷	۲۸	۶۶/۷	۵۱	۶۸
مرد	۱۰	۳۰/۳	۱۴	۳۳/۳	۲۴	۳۲
مجموع	۳۳	۱۰۰	۴۲	۱۰۰	۷۵	۱۰۰

جدول شماره ۳: نظر گروه نمونه در زمینه تأثیر عوامل فرهنگی - اجتماعی بر طلاق

کل		غیرشاهد		شاهد		گروه
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	فرهنگی - اجتماعی
۳۰/۶	۲۳	۴۰/۶	۱۷	۱۸/۱	۶	خیلی زیاد
۲۰	۱۵	۱۴/۵	۶	۲۷/۲	۹	زیاد
۲۰	۱۵	۹/۶	۴	۳۳/۳	۱۱	متوسط
۸	۶	۴/۸	۲	۱۲/۳	۴	کم
۲۱/۴	۱۶	۳۰/۵	۱۳	۹/۱	۳	هیچ
۱۰۰	۷۵	۱۰۰	۴۲	۱۰۰	۳۳	کل

جدول شماره ۴: نظر گروه شاهد در زمینه تأثیر عوامل زیستی - روانی بر طلاق

کل		غیرشاهد		شاهد		گروه
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	زیستی - روانی
۱۷/۴	۱۳	۱۴/۳	۶	۲۱/۲	۷	خیلی زیاد
۲۸	۲۱	۲۳/۷	۱۰	۳۳/۲	۱۱	زیاد
۲۵/۲	۱۹	۲۶/۲	۱۱	۲۴/۲	۸	متوسط
۱۶	۱۲	۱۹/۱	۸	۱۲/۳	۴	کم
۱۳/۴	۱۰	۱۶/۷	۷	۹/۱	۳	هیچ
۱۰۰	۷۵	۱۰۰	۴۲	۱۰۰	۳۳	کل

جدول شماره ۵: نظر گروه نمونه در زمینه تأثیر عوامل اقتصادی بر طلاق

کل		غیرشاهد		شاهد		گروه
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	اقتصادی
۲۹/۴	۲۲	۵۰	۲۱	۳/۱	۱	خیلی زیاد
۲۲/۶	۱۷	۲۱/۵	۹	۲۴/۲	۸	زیاد
۱۶	۱۲	۱۴/۳	۶	۱۸/۱	۶	متوسط
۲۶/۶	۲۰	۹/۵	۴	۴۸/۲	۱۶	کم
۵/۴	۴	۴/۷	۲	۶/۴	۲	هیچ
۱۰۰	۷۵	۱۰۰	۴۲	۱۰۰	۳۳	کل

جدول شماره ۶: نظر گروه نمونه در زمینه تأثیر عوامل اعتقادی - دینی بر طلاق

کل		غیرشاهد		شاهد		گروه
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	دینی
۲۵/۴	۱۹	۱۱/۸	۵	۴۲/۳	۱۴	خیلی زیاد
۲۰	۱۵	۱۶/۷	۷	۲۴/۲	۸	زیاد
۱۷/۴	۱۳	۱۹/۱	۸	۱۵/۲	۵	متوسط
۲۶/۶	۲۰	۳۸/۱	۱۶	۱۲/۲	۴	کم
۱۰/۶	۸	۱۴/۳	۶	۶/۱	۲	هیچ
۱۰۰	۷۵	۱۰۰	۴۲	۱۰۰	۳۳	کل

جدول شماره ۷: نظر گروه نمونه در زمینه تأثیر سلامت روانی بر طلاق

کل		غیرشاهد		شاهد		گروه
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	سلامت روانی
۲۸	۲۱	۳۰/۴	۱۳	۲۴/۱	۸	خیلی زیاد
۱۴/۶	۱۱	۲۱/۶	۹	۶/۳	۲	زیاد
۱۷/۴	۱۳	۱۶/۷	۷	۱۸/۲	۶	متوسط
۱۶	۱۲	۱۱/۹	۵	۲۱/۱	۷	کم
۲۴	۱۸	۱۹/۴	۸	۳۰/۳	۱۰	هیچ
۱۰۰	۷۵	۱۰۰	۴۲	۱۰۰	۳۳	کل

جدول شماره ۸: نظر گروه نمونه در زمینه تأثیر مهارت‌های زندگی بر طلاق

کل		غیرشاهد		شاهد		گروه
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	مهارت‌های زندگی
۹/۳	۷	۹/۶	۴	۹/۲	۳	خیلی زیاد
۲۰	۱۵	۱۹/۱	۸	۲۱/۲	۷	زیاد
۲۵/۴	۱۹	۳۳/۳	۱۴	۱۵/۱	۵	متوسط
۱۶	۱۲	۱۴/۲	۶	۱۸/۲	۶	کم
۲۹/۳	۲۲	۲۳/۸	۱۰	۳۶/۳	۱۲	هیچ
۱۰۰	۷۵	۱۰۰	۴۲	۱۰۰	۳۳	کل

(ب) آمار استنباطی: یافته‌های مبتنی بر فرضیات پژوهش

سؤال شماره ۱: آیا بین علل طلاق (فرهنگی - اجتماعی، زیستی - روانی و ...) فرزندان شاهد و

غیرشاهد در حال طلاق تفاوت معناداری وجود دارد؟

جدول شماره ۹: مقایسه علل فرهنگی - اجتماعی در فرزندان شاهد و غیرشاهد

نوع	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	Sig	آزمون t
شاهد	۳۳	۳۳/۸۴	۷/۵۴	۷۳	۰/۵۲	۳/۷
غیرشاهد	۴۲	۴۷/۶	۶/۳۸	۷۳	۰/۵۲	۳/۷

در جدول شماره ۹ نتایج آزمون t مستقل بین میانگین‌های علل فرهنگی - اجتماعی در فرزندان شاهد و غیرشاهد آورده شده است. براساس نتایج مندرج در جدول چون t مشاهده شده ($t = ۳/۷$) در درجه آزادی ($df = ۷۳$) از مقدار t بحرانی بزرگتر است، بنابراین با اطمینان ۹۵٪ نتیجه گرفته می‌شود که بین علل فرهنگی - اجتماعی فرزندان شاهد و غیرشاهد تفاوت وجود دارد.

جدول شماره ۱۰: مقایسه علل زیستی - روانی در فرزندان شاهد و غیرشاهد

نوع	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	Sig	آزمون t
شاهد	۳۳	۵/۸۴	۷/۲۸	۷۳	۰/۵۴	۱۸/۹
غیرشاهد	۴۲	۱۲/۶	۶/۱۲	۷۳	۰/۵۴	۱۸/۹

در جدول شماره ۱۰ نتایج آزمون t مستقل بین میانگین‌های علل زیستی - روانی در فرزندان شاهد و غیرشاهد آورده شده است. براساس نتایج مندرج در جدول چون t مشاهده شده ($t = ۱۸/۹$) در درجه آزادی ($df = ۷۳$) از مقدار t بحرانی بزرگتر است، بنابراین با اطمینان ۹۵٪ نتیجه گرفته می‌شود که بین علل زیستی - روانی فرزندان شاهد و غیرشاهد تفاوت وجود دارد.

جدول شماره ۱۱: مقایسه علل اقتصادی در فرزندان شاهد و غیرشاهد

نوع	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	Sig	آزمون t
شاهد	۳۳	۳۶/۷	۷/۸	۷۳	۰/۶۲	۳۹/۲
غیرشاهد	۴۲	۴۶/۶	۵/۱۲	۷۳	۰/۶۲	۳۹/۲

در جدول شماره ۱۱ نتایج آزمون t مستقل بین میانگین‌های علل اقتصادی در فرزندان شاهد و غیرشاهد آورده شده است. براساس نتایج مندرج در جدول چون t مشاهده شده ($t = ۳۹/۲$) در درجه آزادی

(df = ۷۳) از مقدار t بحرانی بزرگتر است، بنابراین با اطمینان ۹۵٪ نتیجه گرفته می‌شود که بین علل اقتصادی فرزندان شاهد و غیرشاهد تفاوت وجود دارد.

جدول شماره ۱۲: مقایسه علل اعتقادی - دینی در فرزندان شاهد و غیرشاهد

نوع	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	Sig	آزمون t
شاهد	۳۳	۹/۷	۳/۸	۷۳	۰/۵۱	۲۶/۶
غیرشاهد	۴۲	۳۲/۶	۴/۱۲	۷۳	۰/۵۱	۲۶/۶

در جدول شماره ۱۲ نتایج آزمون t مستقل بین میانگین‌های علل اعتقادی - دینی در فرزندان شاهد و غیرشاهد آورده شده است. براساس نتایج مندرج در جدول چون t مشاهده شده (t = ۲۶/۶) در درجه آزادی (df = ۷۳) از مقدار t بحرانی بزرگتر است، بنابراین با اطمینان ۹۵٪ نتیجه گرفته می‌شود که بین علل مذهبی فرزندان شاهد و غیرشاهد تفاوت وجود دارد.

جدول شماره ۱۳: مقایسه علل سلامت روانی در فرزندان شاهد و غیرشاهد

نوع	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	Sig	آزمون t
شاهد	۳۳	۹/۰۹	۳/۲	۷۳	۰/۵۶	۲۳/۷
غیرشاهد	۴۲	۱۲/۸	۴/۱۵	۷۳	۰/۵۶	۲۳/۷

در جدول شماره ۱۳ نتایج آزمون t مستقل بین میانگین‌های علل سلامت روانی در فرزندان شاهد و غیرشاهد آورده شده است. براساس نتایج مندرج در جدول چون t مشاهده شده (t = ۲۳/۷) در درجه آزادی (df = ۷۳) از مقدار t بحرانی بزرگتر است، بنابراین با اطمینان ۹۵٪ نتیجه گرفته می‌شود که بین علل سلامت روانی فرزندان شاهد و غیرشاهد تفاوت وجود دارد.

جدول شماره ۱۴: مقایسه علل مهارت‌های زندگی در فرزندان شاهد و غیرشاهد

نوع	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	Sig	آزمون t
شاهد	۳۳	۸/۵۵	۵/۰۴	۷۳	۰/۵۲	۱۳/۸
غیرشاهد	۴۲	۹/۸	۴/۰۵	۷۳	۰/۵۲	۱۳/۸

در جدول شماره ۱۴ نتایج آزمون t مستقل بین میانگین‌های علل مهارت‌های زندگی در فرزندان شاهد و غیرشاهد آورده شده است. براساس نتایج مندرج در جدول چون t مشاهده شده (t = ۱۳/۸) در درجه آزادی

(df = ۷۳) از مقدار t بحرانی بزرگتر است. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ نتیجه گرفته می‌شود که بین علل مهارتهای زندگی فرزندان شاهد و غیرشاهد تفاوت وجود دارد.

سؤال شماره ۲: وضعیت سلامت روانی فرزندان شاهد و غیرشاهد در حال طلاق چگونه است؟

جدول شماره ۱۵: میزان شیوع اختلالات روانی در فرزندان شاهد و غیرشاهد

اختلالات روانی گروه	سالم	بیمار	میزان شیوع
شاهد	۲۳	۱۰	۳۰/۳۰
غیرشاهد	۲۳	۱۹	۴۵/۲۳
کل	۴۶	۲۹	۳۸/۶۶

همانطور که در جدول شماره ۱۵ دیده می‌شود، ۱۰ نفر از فرزندان شاهد (۳۰/۳۰) دارای اختلال روانی می‌باشند. همچنین ۲۰ نفر از فرزندان غیرشاهد (۴۵/۲۳) دارای اختلال روانی می‌باشند.

سؤال شماره ۳: آیا بین جنسیت، سن، تحصیلات و شیوع اختلالات روانی در فرزندان شاهد و غیرشاهد در حال طلاق رابطه معناداری وجود دارد؟

جدول شماره ۱۶: میزان شیوع اختلالات روانی در گروه نمونه بر حسب جنسیت

جنسیت گروه	سالم		بیمار		میزان شیوع	
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
شاهد	۵	۱۸	۴	۶	۱۰	۱۴/۲
غیرشاهد	۷	۱۶	۱۲	۷	۲۲/۲	۲۵/۳
کل	۱۲	۳۴	۱۶	۱۳	۳۲/۲	۳۹/۵

همانگونه که در جدول شماره ۱۶ دیده می‌شود میزان شیوع اختلالات روانی در زنان شاهد و غیرشاهد بیشتر از مردان شاهد و غیرشاهد می‌باشد. نتیجه آزمون خی دو نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین جنسیت و بروز اختلالات روانی در گروه شاهد و غیرشاهد وجود دارد و شیوع اختلالات روانی در زنان شاهد و غیرشاهد بطور معناداری بیشتر از مردان شاهد و غیرشاهد می‌باشد.

جدول شماره ۱۷: میزان شیوع اختلالات روانی در گروه شاهد بر حسب سن آنان

آماره سن	تعداد سالم	تعداد بیمار	میزان شیوع
۱۴-۲۵ سال	۷	۲	۲۲/۲۲
۲۱-۲۷ سال	۴	۲	۳۳/۳۳
۲۸-۳۴ سال	۲	۳	۶۰
۳۵-۴۱ سال	۵	۲	۲۸/۵۷
۴۲-۴۸ سال	۵	۱	۱۶/۶۶
کل	۲۳	۱۰	۳۰/۳۰

همانگونه که در جدول شماره ۱۷ دیده می‌شود میزان شیوع اختلالات روانی در گروه شاهد که در دامنه سنی ۲۸ - ۳۴ سال قرار دارند بیشترین و در افراد نمونه‌ای که در دامنه سنی ۴۲ - ۴۸ سال قرار دارند کمترین می‌باشد. نتیجه آزمون χ^2 دو نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین سن و شیوع اختلالات روانی در افراد نمونه وجود ندارد ($p = ۰/۰۵$ ، $df = ۴$ ، $X^2 = ۳/۲۸$).

جدول شماره ۱۸: میزان شیوع اختلالات روانی در گروه غیرشاهد بر حسب سن آنان

آماره سن	تعداد سالم	تعداد بیمار	میزان شیوع
۱۴-۲۵ سال	۳	۳	۵۰
۲۱-۲۷ سال	۳	۳	۵۰
۲۸-۳۴ سال	۴	۳	۴۲/۸۵
۳۵-۴۱ سال	۶	۵	۴۵/۴۵
۴۲-۴۸ سال	۴	۱	۲۰
۴۹-۵۵ سال	۳	۴	۵۷/۱۴
کل	۲۳	۱۹	۴۵/۲۳

همانگونه که در جدول شماره ۱۸ دیده می‌شود میزان شیوع اختلالات روانی در گروه غیرشاهد که در دامنه سنی ۴۹ - ۵۵ سال قرار دارند بیشترین و در افراد نمونه‌ای که در دامنه سنی ۴۲ - ۴۸ سال قرار دارند کمترین می‌باشد. نتیجه آزمون χ^2 دو نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین سن و شیوع اختلالات روانی در گروه غیرشاهد وجود ندارد ($p = ۰/۰۵$ ، $df = ۵$ ، $X^2 = ۴/۳۱$).

جدول شماره ۱۹: میزان شیوع اختلالات روانی در گروه شاهد برحسب تحصیلات آنان

آماره تحصیلات	تعداد سالم	تعداد بیمار	میزان شیوع
بیسواد	۴	۵	۵۵/۵۵
زیر دیپلم	۵	۲	۲۸/۵۷
دیپلم	۶	۲	۲۵
لیسانس	۸	۱	۱۱/۱۱
کل	۲۳	۱۰	۳۰/۳۰

همانگونه که در جدول ۱۹ دیده می‌شود میزان شیوع اختلالات روانی در گروه شاهد بیسواد بیشترین و در افراد نمونه دارای مدرک تحصیلی لیسانس کمترین می‌باشد. نتیجه آزمون χ^2 دو نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین مدرک تحصیلی و شیوع اختلالات روانی وجود دارد و شیوع اختلالات روانی در افراد بیسواد بطور معناداری بیشتر است ($\chi^2 = ۳/۳۲$ ، $df = ۳$ ، $p = ۰/۰۵$).

جدول شماره ۲۰: میزان شیوع اختلالات روانی در گروه غیرشاهد بر حسب تحصیلات آنان

آماره تحصیلات	تعداد سالم	تعداد بیمار	میزان شیوع
بیسواد	۲	۷	۷۷/۷۷
زیر دیپلم	۶	۳	۳۳/۳۳
دیپلم	۴	۳	۴۲/۵۸
لیسانس	۵	۴	۴۴/۴۴
فوق لیسانس و بالاتر	۶	۲	۲۵
کل	۲۳	۱۹	۴۵/۲۳

همانگونه که در جدول ۲۰ دیده می‌شود میزان شیوع اختلالات روانی در گروه غیرشاهد بیسواد بیشترین و در افراد نمونه دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس و بالاتر کمترین می‌باشد. نتیجه آزمون χ^2 دو نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین مدرک تحصیلی و شیوع اختلالات روانی وجود دارد و شیوع اختلالات روانی در افراد بیسواد بطور معناداری بیشتر است ($\chi^2 = ۴/۳۲$ ، $df = ۴$ ، $P = ۰/۰۵$).

سؤال شماره ۴: فرزندان شاهد و غیرشاهد در حال طلاق به چه میزان از مهارت‌های زندگی

برخوردارند؟

جدول شماره ۲۱: میزان برخورداری از مهارت‌های زندگی در فرزندان شاهد

مجموع	واجد مهارت‌های زندگی	فاقد مهارت‌های زندگی	میزان نیاز به آموزش مهارت‌های زندگی
۳۳	۱۷	۱۶	۴۸/۴۸

همانطور که در جدول شماره ۲۱ دیده می‌شود، ۱۶ نفر از فرزندان شاهد (۴۸/۴۸) به آموزش مهارت‌های زندگی نیازمند می‌باشند. در نتیجه، میزان نیاز به آموزش مهارت‌های زندگی در بین فرزندان شاهد ۴۸/۴۸ درصد می‌باشد.

جدول شماره ۲۲: میزان برخورداری از مهارت‌های زندگی در فرزندان غیرشاهد

مجموع	واجد مهارت‌های زندگی	فاقد مهارت‌های زندگی	میزان نیاز به آموزش مهارت‌های زندگی
۴۲	۱۸	۲۴	۵۷/۱۴

همانطور که در جدول شماره ۲۲ دیده می‌شود، ۲۴ نفر از فرزندان غیرشاهد (۵۷/۱۴) به آموزش مهارت‌های زندگی نیازمند می‌باشند. در نتیجه، میزان نیاز به آموزش مهارت‌های زندگی در بین فرزندان غیرشاهد ۵۷/۱۴ درصد می‌باشد.

سؤال شماره ۵: آیا بین جنسیت، سن، تحصیلات و میزان برخورداری از مهارت‌های زندگی در فرزندان شاهد و غیرشاهد در حال طلاق رابطه معناداری وجود دارد؟

جدول شماره ۲۳: میزان برخورداری از مهارت‌های زندگی در فرزندان شاهد بر حسب جنسیت

آماره	تعداد واجد مهارت‌های زندگی	تعداد فاقد مهارت‌های زندگی	میزان نیاز به آموزش مهارت‌های زندگی
زن	۱۳	۱۰	۴۳/۴۷
مرد	۴	۶	۶۰
کل	۱۷	۱۶	۴۸/۴۸

همانگونه که در جدول شماره ۲۳ دیده می‌شود میزان نیاز به آموزش مهارت‌های زندگی مردان شاهد بیشتر از زنان شاهد می‌باشد. نتیجه آزمون χ^2 دو نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین جنسیت و میزان نیاز به آموزش مهارت‌های زندگی وجود دارد و نیاز به آموزش مهارت‌های زندگی مردان گروه شاهد بطور معناداری بیشتر از زنان شاهد می‌باشد ($\chi^2 = 2/21, df = 1, P = 0/05$).

جدول شماره ۲۴: میزان برخورداری از مهارتهای زندگی در گروه غیرشاهد بر حسب جنسیت

آماره جنسیت	تعداد واجد مهارتهای زندگی	تعداد فاقد مهارتهای زندگی	میزان نیاز به آموزش مهارتهای زندگی
زن	۱۲	۱۵	۵۵/۵
مرد	۶	۹	۶۰
کل	۱۸	۲۴	۵۷/۱۴

همانگونه که در جدول شماره ۲۴ دیده می‌شود میزان نیاز به آموزش مهارتهای زندگی مردان غیرشاهد بیشتر از زنان غیرشاهد می‌باشد. نتیجه آزمون χ^2 دو نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین جنسیت و میزان نیاز به آموزش مهارتهای زندگی وجود دارد و نیاز به آموزش مهارتهای زندگی مردان گروه غیرشاهد بطور معناداری بیشتر از زنان گروه غیرشاهد می‌باشد ($P = ۰/۰۵$ ، $df = ۱$ ، $\chi^2 = ۳/۴۶$).

جدول شماره ۲۵: میزان برخورداری از مهارتهای زندگی در گروه شاهد بر حسب سن آنان

آماره سن	تعداد واجد مهارتهای زندگی	تعداد فاقد مهارتهای زندگی	میزان نیاز به آموزش مهارتهای زندگی
۱۴ - ۲۵ سال	۴	۳	۴۲/۸۵
۲۱ - ۲۷ سال	۴	۳	۴۲/۸۵
۲۸ - ۳۴ سال	۴	۵	۵۵/۵۵
۳۵ - ۴۱ سال	۳	۲	۴۰
۴۲ - ۴۸ سال	۲	۳	۶۰
کل	۱۷	۱۶	۴۸/۴۸

همانگونه که در جدول شماره ۲۵ دیده می‌شود میزان نیاز به آموزش مهارتهای زندگی در گروه شاهدی که در دامنه سنی ۲۸ - ۳۴ سال قرار دارند بیشترین و در افراد نمونه‌ای که در دامنه سنی ۳۵ - ۴۱ سال قرار دارند کمترین می‌باشد. نتیجه آزمون χ^2 دو نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین سن و نیاز به آموزش مهارتهای زندگی افراد وجود ندارد ($P = ۰/۰۵$ ، $df = ۴$ ، $\chi^2 = ۲/۴۸$).

جدول شماره ۲۶: میزان برخورداری از مهارتهای زندگی در گروه غیرشاهد بر حسب سن آنان

آماره سن	تعداد واجد مهارتهای زندگی	تعداد فاقد مهارتهای زندگی	میزان نیاز به آموزش مهارتهای زندگی
۱۴ - ۲۵ سال	۳	۳	۵۰
۲۱ - ۲۷ سال	۵	۴	۴۴/۴۴
۲۸ - ۳۴ سال	۳	۲	۴۰
۳۵ - ۴۱ سال	۳	۳	۵۰
۴۲ - ۴۸ سال	۱	۴	۸۰
۴۹ - ۵۵ سال	۳	۸	۷۲/۷۲
کل	۱۸	۲۴	۵۷/۱۴

همانگونه که در جدول شماره ۲۶ دیده می‌شود میزان نیاز به آموزش مهارتهای زندگی در گروه غیرشاهدی که در دامنه سنی ۴۸ - ۴۲ سال قرار دارند بیشترین و در افراد نمونه‌ای که در دامنه سنی ۳۴ - ۲۸ سال قرار دارند کمترین می‌باشد. نتیجه آزمون خی دو نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین سن و نیاز به آموزش مهارتهای زندگی افراد وجود ندارد ($\chi^2 = ۲/۳۱$ ، $df = ۵$ ، $P = ۰/۰۵$).

جدول شماره ۲۷: میزان برخورداری از مهارتهای زندگی در گروه شاهد بر حسب تحصیلات آنان

آماره تحصیلات	تعداد واجد مهارتهای زندگی	تعداد فاقد مهارتهای زندگی	میزان نیاز به آموزش مهارتهای زندگی
بیسواد	۲	۶	۷۵
زیر دیپلم	۴	۴	۵۰
دیپلم	۷	۴	۳۶/۳۶
لیسانس	۴	۲	۳۳/۳۳
کل	۱۷	۱۶	۴۸/۴۸

همانگونه که در جدول ۲۷ دیده می‌شود میزان نیاز به آموزش مهارتهای زندگی در گروه شاهد بیسواد بیشترین و در افراد نمونه دارای مدرک تحصیلی لیسانس کمترین می‌باشد. نتیجه آزمون خی دو نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین مدرک تحصیلی و میزان نیاز به آموزش مهارتهای زندگی وجود دارد و نیاز به آموزش مهارتهای زندگی در افراد بیسواد بیشتر است ($\chi^2 = ۳/۲۱$ ، $df = ۳$ ، $P = ۰/۰۵$).

جدول شماره ۲۸: میزان برخورداری از مهارت‌های زندگی در گروه غیرشاهد بر حسب تحصیلات آنان

آماره تحصیلات	تعداد واجد مهارت‌های زندگی	تعداد فاقد مهارت‌های زندگی	میزان نیاز به آموزش مهارت‌های زندگی
بیسواد	۲	۸	۸۰
زیر دیپلم	۳	۵	۶۲/۵
دیپلم	۳	۵	۶۲/۵
لیسانس	۳	۵	۶۲/۵
فوق لیسانس و بالاتر	۷	۱	۱۲/۵
کل	۱۸	۲۴	۵۷/۱۴

همانگونه که در جدول ۲۸ دیده می‌شود میزان نیاز به آموزش مهارت‌های زندگی در گروه غیرشاهد بیسواد بیشترین و در افراد نمونه دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس و بالاتر کمترین می‌باشد. نتیجه آزمون خی دو نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین مدرک تحصیلی و میزان نیاز به آموزش مهارت‌های زندگی وجود دارد و نیاز به آموزش مهارت‌های زندگی در افراد بیسواد بطور معناداری بیشتر است ($X^2 = ۲/۳۵$ ، $df = ۴$ ، $P = ۰/۰۵$).

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی مقایسه‌ای علل طلاق در بین فرزندان شاهد و غیرشاهد استان کرمانشاه طراحی و اجرا گردید. در این پژوهش علاوه بر بررسی علل طلاق و میزان تأثیر هر کدام از آنان به بررسی سلامت روانی و مهارت‌های زندگی افراد نمونه و رابطه آن با متغیرهای جنسیت، سن، سطح تحصیلات پرداخته شده است.

در زمینه تأثیر عوامل مختلف بر طلاق از دیدگاه افراد نمونه نتایج به شرح ذیل می‌باشد:

افراد نمونه‌ای که معتقدند عوامل فرهنگی - اجتماعی (عدم تفاهم اخلاقی، اختلاف طبقاتی، عدم احساس مسئولیت همسر، پایین بودن سطح تحصیلات همسر، دخالت خانواده همسر، اختلاف سنی، اعتیاد همسر، علاقه به همسر قبل از ازدواج، وجود فرزند) به مقدار خیلی زیاد در طلاق مؤثر است دارای بیشترین حجم نمونه و افراد نمونه‌ای که معتقدند عوامل فرهنگی - اجتماعی تأثیر کمی در طلاق دارد کمترین حجم نمونه را تشکیل می‌دهند.

در زمینه عوامل زیستی - روانی (سردمزاجی، ناتوانی جنسی، بدبینی، عصبی بودن، فحاشی کردن، کتک زدن)، افراد نمونه‌ای که معتقدند عوامل زیستی - روانی به مقدار زیاد در طلاق مؤثر است دارای بیشترین حجم نمونه و افراد نمونه‌ای که معتقدند عوامل زیستی - روانی هیچ تأثیری در طلاق ندارند کمترین حجم نمونه را تشکیل می‌دهند.

در زمینه عوامل اقتصادی (مشکلات مادی، شغل همسر) افراد نمونه‌ای که معتقدند عوامل اقتصادی به مقدار خیلی زیاد در طلاق مؤثر است دارای بیشترین حجم نمونه و افراد نمونه‌ای که معتقدند عوامل اقتصادی هیچ تأثیری در طلاق ندارند کمترین حجم نمونه را تشکیل می‌دهند.

افراد نمونه‌ای که معتقدند عوامل اعتقادی - دینی (مسائل مذهبی، نماز خواندن و انجام فرایض و مسائل دینی «روزه گرفتن، شرکت در مراسمهای مذهبی و ...») به مقدار کم در طلاق مؤثر است دارای بیشترین حجم نمونه و افراد نمونه‌ای که معتقدند عوامل مذهبی تأثیری در طلاق ندارند کمترین حجم نمونه را تشکیل می‌دهند.

در زمینه تأثیر سلامت روانی در طلاق افراد نمونه‌ای که معتقدند این عامل به مقدار خیلی زیاد در طلاق مؤثر است دارای بیشترین حجم نمونه و افراد نمونه‌ای که معتقدند سلامت روانی تأثیر زیادی در طلاق ندارند کمترین حجم نمونه را تشکیل می‌دهند.

در زمینه تأثیر مهارتهای زندگی در طلاق افراد نمونه‌ای که معتقدند این عامل هیچ تأثیری در طلاق مؤثر ندارد دارای بیشترین حجم نمونه و افراد نمونه‌ای که معتقدند مهارتهای زندگی تأثیر خیلی زیادی در طلاق دارند کمترین حجم نمونه را تشکیل می‌دهند.

تحلیل داده‌ها بیانگر آنست که بین علل اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی، زیستی - روانی، اعتقادی - دینی، سلامت روانی و مهارتهای زندگی فرزندان شاهد و غیرشاهد تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

بطور کلی در این پژوهش علل طلاق از دیدگاه فرزندان شاهد به ترتیب عبارتند از: علل اعتقادی - دینی و علل زیستی - روانی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و در نهایت مهارتهای زندگی می‌باشد. همچنین علل طلاق از دیدگاه فرزندان غیرشاهد به ترتیب عبارتند از: علل اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، اعتقادی - دینی، زیستی - روانی و در نهایت سلامت روانی می‌باشد.

سلامتی روانی افراد نمونه

میزان شیوع اختلال روانی در میان فرزندان شاهد ۳۰/۳ درصد بود که این میزان در میان فرزندان شاهد زن ۱۴/۲ درصد و در میان فرزندان شاهد مرد ۱۰ درصد بود. همچنین میزان شیوع اختلال روانی در بین فرزندان غیرشاهد ۴۵/۲۳ درصد بدست آمد که میزان شیوع در میان فرزندان غیرشاهد زن ۲۵/۳ درصد و در فرزندان غیر شاهد مرد ۲۲/۲ به دست آمد.

در این مطالعه رابطه عوامل جمعیت شناختی با بیماریهای روانی نیز مورد بررسی قرار گرفت که با توجه به تحلیل‌های آماری بدست آمده، مشخص گردید که بین جنسیت فرزندان شاهد و غیرشاهد، و مدرک تحصیلی فرزندان شاهد و غیرشاهد و همچنین طول مدت زندگی مشترک با بیماریهای روانی رابطه معناداری وجود دارد و بین سن فرزندان شاهد و غیرشاهد با بیماریهای روانی رابطه معناداری وجود ندارد.

مهارتهای زندگی افراد نمونه

میزان نیاز به آموزش مهارتهای زندگی در فرزندان شاهد ۴۸/۴۸ درصد بود که این میزان در میان فرزندان شاهد زن ۴۳/۴۷ درصد و در میان فرزندان شاهد مرد ۶۰ درصد بود. همچنین میزان نیاز به آموزش مهارتهای زندگی در میان فرزندان غیرشاهد ۵۷/۱۴ درصد به دست آمد که میزان نیاز در میان فرزندان غیرشاهد زن ۵۵/۵ درصد و در فرزندان غیرشاهد مرد ۶۰ به دست آمد.

همچنین در این مطالعه رابطه عوامل جمعیت شناختی با میزان نیاز به آموزش مهارتهای زندگی مورد بررسی قرار گرفت که با توجه به تحلیل‌های آماری بدست آمده، مشخص گردید که بین جنسیت فرزندان شاهد و

غیرشاهد و مدرک تحصیلی آنان با نیاز به آموزش مهارت‌های زندگی رابطه معنادار وجود دارد و بین سن فرزندان شاهد و غیرشاهد با میزان نیاز به آموزش مهارت‌های زندگی رابطه معناداری وجود ندارد.

تفسیر و تحلیل بیماری‌های روانی بر حسب متغیرهای جمعیت‌شناختی

۱- جنسیت

در این مطالعه میزان شیوع اختلالات روانی در فرزندان شاهد و غیرشاهد زن بیشتر از فرزندان شاهد و غیرشاهد مرد به دست آمد که با نتایج اکثر پژوهش‌های انجام شده در زمینه اختلالات روانی زنان انجام گرفته در جهان و ایران همخوانی دارد. در اکثر پژوهش‌های انجام شده، میزان شیوع اختلالات روانی در زنان بیشتر از مردان گزارش شده است، اگر چه برخی از اختلالات مثل اختلال شخصیت ضداجتماعی و سوء مصرف‌کنندگان مواد در مردان بیشتر مشاهده شده است (کاپلان، سادوک و گرب، ۱۳۸۰). شواهد نشان می‌دهد که شیوع بالای اختلالات روانی در زنان قبل از همه به نقش‌های جنسی و زناشویی آنها مربوط می‌شود. علاوه بر این، محدود بودن زنان در مشارکت‌های اجتماعی، عوامل بیولوژیکی، استرس‌های محیطی و ازدواج از جمله عواملی هستند که می‌توانند زمینه‌ساز شیوع بالاتر اختلالات روانی در زنان نسبت به مردان باشند. همچنین از جمله علل روانشناختی احتمالی بالاتر بودن میزان شیوع زنان را می‌توان «حساسیت آنها به عملکرد» نام برد، چرا که همواره از سوی جامعه مردانه مورد قضاوت قرار گرفته‌اند.

۲- مدرک تحصیلی

در این پژوهش بیشترین میزان شیوع اختلالات روانی در میان افراد بیسواد و کمترین آن مربوط به افرادی است که دارای مدرک تحصیلی فوق‌لیسانس و بالاتر هستند.

۳- سن

در این پژوهش بالاترین میزان شیوع اختلال روانی مربوط به افراد نمونه‌ای است که در دامنه سنی ۳۴ - ۲۸ سال قرار دارند.

د) تفسیر زیر گروه‌های طبقه تشخیصی اختلالات روانی براساس یافته‌های پیشین

در این مطالعه، در میان انواع بیماری‌های روانی بررسی شده، اختلال افسردگی اساسی دارای بالاترین میزان شیوع (۹/۰۹) و اختلال‌های اضطراب، وسواس، فوبیک، پارانوئید، جسمانی کردن و حساسیت بین فردی (۳/۰۳) دارای کمترین میزان شیوع در میان فرزندان شاهد بودند. در میان فرزندان غیرشاهد نیز اختلال افسردگی دارای بالاترین میزان شیوع (۹/۵۳) و اختلال فوبیک (۲/۳۸) دارای کمترین میزان شیوع بودند.

اختلال افسردگی بی‌تردید رایج‌ترین بیماری روانی است. شیوع این اختلال در جمعیت عمومی حدود ۱۵ درصد برای طول عمر می‌باشد (کاپلان، سادوک و گرب ترجمه پورافکاری، ۱۳۸۰). در این مطالعه نشان داده شده است که این اختلال دارای بیشترین میزان شیوع می‌باشد. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های قبلی در این زمینه مانند ورجیس و همکاران (۱۹۷۲) به نقل از باقری یزدی، (۱۳۷۲)، مدیانوس و همکاران (۱۹۸۷)، هولی فیلد و همکاران (۱۹۹۰)، قوباش و همکاران (۱۹۹۲)، آرچمیر و بلچر (۱۹۹۳)، هاردینگ و استیوز (۱۹۹۸)،

بارت و همکاران (۱۹۹۹)، دراکولیوس و همکاران (۱۹۹۸)، ناکامورا و همکاران (۱۹۹۶)، داویدیان و همکاران (۱۳۵۰)، به نقل از باقری یزدی، (۱۳۸۱) و آقا صادقی (۱۳۷۹)، موسوی (۱۳۸۰)، مرادی (۱۳۸۴) همسو و هماهنگ می‌باشد.

در این مطالعه اختلالهای اضطراب، وسواس، پارانوئید، حساسیت بین فردی در میان فرزندان شاهد و اختلال فوبیک در میان فرزندان غیرشاهد دارای کمترین میزان شیوع بودند. اختلالات روانی معمولاً اختلالات جسمانی را نیز به همراه دارند. حجم زیاد فعالیت، پاسخگو بودن در مقابل خانواده و دیگران، مشکلات تغذیه‌ای و گران بودن هزینه‌ها و هزینه درمان می‌تواند از علل احتمالی باشد.

ب) تفسیر و تحلیل مهارتهای زندگی مورد نیاز بر حسب متغیرهای جمعیت شناختی

۱ - جنسیت

در این مطالعه میزان نیاز به آموزش مهارتهای زندگی در فرزندان شاهد و غیرشاهد مرد بیشتر از فرزندان شاهد و غیرشاهد زن به دست آمد که با نتایج اکثر پژوهشهای انجام شده در زمینه مهارتهای زندگی زنان انجام گرفته در جهان و ایران همخوانی دارد. در اکثر پژوهشهای انجام شده، میزان نیاز به مهارتهای زندگی در مردان بیشتر از زنان گزارش شده است، اگر چه برخی از مهارتها مثل مهارت تصمیم‌گیری و حل مسئله در مردان بیشتر مشاهده شده است (معصومی، ۱۳۸۵). شواهد نشان می‌دهد که نیاز به آموزش مهارتهای زندگی در مردان قبل از همه به نقشهای جنسی و زناشویی آنها مربوط می‌شود (عدم توجه به مهارت در زمینه زندگی). علاوه بر این فعالیتهای اجتماعی بیش از اندازه مردان، عوامل بیولوژیکی، عوامل اجتماعی، محیطی و مهم‌تر از همه، مشکلات خانوادگی از جمله عواملی هستند که می‌توانند زمینه ساز نیاز بالاتر به آموزش مهارتهای زندگی در مردان نسبت به زنان باشند.

۲ - مدرک تحصیلی

در این پژوهش بیشترین میزان نیاز به آموزش مهارتهای زندگی در میان افراد بیسواد و کمترین آن مربوط به افرادی است که دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس و بالاتر هستند. این نتیجه بیانگر تأثیر تحصیلات در افزایش مهارت زندگی می‌باشد.

۳ - سن

در این پژوهش بالاترین میزان نیاز به آموزش مهارتهای زندگی مربوط به افراد نمونه‌ای است که در دامنه سنی ۳۴ - ۲۸ سال قرار دارند. نتایج تحلیل بیانگر آنست که با افزایش سن و کسب تجارب و مهارتهای لازم در زمینه‌های مختلف، نیاز افراد به آموزش مهارتهای زندگی کاسته می‌شود.

د) تفسیر زیر گروه‌های مهارتهای زندگی براساس یافته‌های پیشین

در این مطالعه، در میان انواع مهارتهای زندگی بررسی شده، مهارت توانایی حل مسئله دارای بالاترین نیاز (۱۲/۱۲) و مهارتهای خلاقیت، توانایی برقراری ارتباط، ابراز وجود، خویشتن شناسی، توانایی کنترل هیجانات و مقابله با استرس (۳/۰۳) دارای کمترین میزان نیاز به آموزش در میان فرزندان شاهد بودند. در میان فرزندان

غیرشاهد نیز مهارت‌های توانایی حل مسئله دارای بالاترین نیاز (۱۴/۲۸) و مهارت‌های تفکر انتقادی و توانایی کنترل هیجانات (۲/۳۸) دارای کمترین میزان نیاز به آموزش بودند.

حل مسئله از جمله مهم‌ترین مهارت‌ها و توانایی‌ها برای زندگی اثربخش و مفید می‌باشد و در ایجاد آمادگی در انسان برای تطابق دادن خود با محیط زندگی و مقابله با مشکلات زندگی نقش مؤثری دارد. در صورتی که فرد توانایی بررسی کلیه ابعاد یک موضوع و مسئله را دارا باشد به سادگی می‌تواند به بررسی یک مسئله پرداخته و به راحتی می‌تواند با مشکلات زندگی کنار بیاید چون مسائل بوجود آمده را به راحتی می‌تواند حل‌جایی نماید و به نتیجه مطلوب خود دست یابد. این مهارت زمانی در فرد رشد می‌کند که شرایط مناسب جهت زندگی سازنده و اثربخش برای او فراهم گردد، در نتیجه منجر به این امر می‌گردد که فرد در کلیه ابعاد زندگی، فردی، اجتماعی و ... پیشرفت چشمگیری نماید.

نتایج پژوهش بیانگر نیاز بیشتر مردان به آموزش مهارت‌های زندگی نسبت به زنان می‌باشد که با نتایج پژوهش معصومی (۱۳۸۵)، طارمیان (۱۳۸۲)، آقاجانی (۱۳۸۲) و ادیب (۱۳۸۲) هماهنگی دارد.

بطور کلی نتایج این پژوهش بیانگر آن بوده که مهارت‌های زندگی در طلاق افراد مؤثر می‌باشد. مهارت‌های زندگی توانایی‌های روانی - اجتماعی برای زندگی ثمربخش می‌باشد و در زندگی اجتماعی و فردی مؤثر می‌باشد.

بدین ترتیب به جهت اهمیت علم مهارت‌های زندگی در کلیه ابعاد حیات انسانی، ضرورت آگاهی از آن برای کلیه افراد در هر موقعیت و شرایط و به کارگیری اصول اساسی آن در جهت ایجاد زندگی سالم، مفید و رو به تکامل آشکار می‌گردد. در این میان اهمیت و لزوم کسب مهارت‌های زندگی برای مردان، جهت ایفای نقش‌های خود در محیط خانوادگی، شغلی و اجتماعی به عنوان یک مرد موفق و پدر سالم و موفق نمایان تر می‌شود، چنانچه این امر میسر گردد، سلامت خانواده نیز تأمین خواهد شد.

فهرست منابع

- آقا صادقی، سعید، (۱۳۷۹): بررسی همه گیر شناسی اختلالات روانی در زندانیان زندانهای استان اردبیل، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی ایران.
- آقاجانی، مریم. (۱۳۸۱): بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان و مبع کنترل نوجوانان، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه الزهرا.
- امینی، ابراهیم. (۱۳۸۰): آئین همسراری، تهران: اسلامی.
- اسماعیل‌زاده، مرتضی و شهرام بیگدلی. (۱۳۷۹): "بررسی نقش فرهنگ شهادت به عنوان ساز و کار درونی نمودن ارزشها در جوانان برای مقابله با فرهنگ تهاجمی غرب"، فصلنامه فرهنگی - پژوهشی بنیاد شهید انقلاب اسلامی (شهود)، پیش شماره پنجم، سال دوم.
- ادیب، علی. (۱۳۸۲): بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی مقابله‌ای و عزت نفس دانش‌آموزان، طرح پژوهشی، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- باقری یزدی، سید عباس. (۱۳۸۱): بررسی همه‌گیر شناسی اختلالات روانی در مناطق روستایی میبد یزد، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی ایران.
- بهرامی، سیاوش. (۱۳۸۶): بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر میزان گرایش زوجین به طلاق در شهرستان کرمانشاه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندان: دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- تقوی، نعمت‌الله. (۱۳۸۳): بررسی وضع ازدواج و طلاق در شهر تبریز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد، دانشکده علوم اجتماعی.
- بوتول، گاستون. (۱۳۷۹): جامعه‌شناسی، ترجمه هاشم رضی، تهران: مؤسسه آسیا.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۲): نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت.
- جورج، وانیل. (۱۳۸۲): راهنمای ازدواج، ترجمه بهزاد رحمتی، تهران: دنیای کتاب.
- حجتی، نسرین. (۱۳۸۵): بررسی آمار طلاق در استانهای کشور و علل مرتبط به آن، طرح پژوهشی، تهران: پژوهشکده مطالعات اجتماعی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳): لغت‌نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- داویدیان، هاراطون. (۱۳۷۹): سنجش علایم و نشانه‌های روانی، تهران: رشد.
- شعاری‌نژاد، علی اکبر. (۱۳۸۳): درآمدی به روانشناسی انسان، تهران: آزاده.
- صدیقی، مرضیه. (۱۳۸۰): "زن در آئینه آمار"، مجله علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۸.
- عدل جو، سعیده. (۱۳۸۴): مهمترین عامل طلاق در بین زوجین استان اردبیل، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان: دانشکده علوم اجتماعی.
- طباطبایی، علی. (۱۳۸۳): بررسی عوامل مؤثر بر طلاق در شهر بیرجند، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد، واحد اراک.
- فخاری، حسین. (۱۳۸۶): بررسی علل تقاضای طلاق زوجین از دیدگاه اقتصادی - اجتماعی در شهرستان اراک، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- طارمیان، فرهاد. (۱۳۷۸): «مهارت‌های زندگی، تعاریف و مبانی نظری»، مجله ژرفای تربیت، سال اول، شماره ۴.

- کاپلان، هارولد؛ سادوک بنجامین و گرب جان. (۱۳۸۰): خلاصه روانپزشکی، ترجمه نصرتا... پورافکاری، تبریز: شهرآب.
- گلی گرمخانی، رحیم. (۱۳۸۳): بررسی وضعیت سلامت روانی کارکنان بنیاد شهید استان کرمانشاه، طرح پژوهشی، کرمانشاه: بنیاد شهید انقلاب اسلامی استان کرمانشاه.
- گودرزی، حسین. (۱۳۸۵): تعیین علل طلاق و بررسی اثرات حذف علل طلاق بر طول مدت ازدواج در شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علوم پزشکی تهران.
- میلانی‌فر، بهروز. (۱۳۷۸): بهداشت روانی، تهران: قومس.
- مرادی، شهرام. (۱۳۸۴): بررسی علل طلاق در بین زوجین شهر اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران: دانشکده علوم اجتماعی، چاپ نشده.
- مرادی، شهرام. (۱۳۸۴): بررسی سلامت روانی معلمان و کارکنان آموزش و پرورش شهر تهران، طرح پژوهشی، تهران: سازمان آموزش و پرورش شهر تهران.
- معصومی، معصومه. (۱۳۸۵): بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی در سوادآموزان زن دوره پایانی نهضت سوادآموزی شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران.
- موسوی، حسین. (۱۳۸۰): بررسی عوامل شخصیتی موثر بر طلاق در استان کرمانشاه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- نیک ضمیر، عباس. (۱۳۸۳): بررسی علل طلاق در خانواده‌های شاهد و ارائه رهیافتهای کاربردی جهت جلوگیری از آن، طرح پژوهشی، بنیاد شهید: پژوهشهای کاربردی.
- هاشمیان، سید احمد. (۱۳۷۶): "روابط درون خانوادگی و تأثیر آن در بهداشت روانی خانواده"، ماهنامه پیوند، شماره ۲۱۸، تهران: انجمن اولیاء و مربیان.

منابع لاتين

- Amber, born. (2003). "Single parent families", Journal of psychology, vol (11).
- Anderson, J. H. (2004): "Personality & behavior", Journal of abnormal psychology, vol (23).
- Belinda & Brown. (2006): Family Sociology, McGraw-Hill Book. Inc.
- Field, Bolos. & Hum. (2006): The Sociology of divorce Systematic Analysis.
Third Edition New Jersey: Prentice Hall.
- South, Edward & other. (2006)" Evaluation of the Life Skills Training and Infused life of the Life Skills Training in a Rural setting, Eric No: EJ 699204.
- Stack & Benkoveski. (2007): "Effect alkaline and divorce", Journal of marriage & family, vol (6).
- W. one & Dogbane. (2002): "Psychological factors as predictors of marital satisfaction", Social psychology, London.